

## حرکت پنداری در زبان فارسی: رویکرد شناختی

مریم مسگرخویی<sup>۱</sup>

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

### چکیده

حرکت یکی از بنیادی‌ترین تجربه‌های بشر است و انسان با شبیه‌سازی حرکت در ذهن، آن را به حوزه‌های دیگری، که به‌واقع هیچ‌گونه حرکتی در آنها وجود ندارد، تسری می‌دهد. این شبیه‌سازی و تعمیم در زبان نیز منعکس می‌شود و کاربران زبان، عناصر و اجزای حرکت حقیقی را برای توصیف حرکت مجازی نیز به‌کار می‌برند. این مقاله بر نوع خاصی از حرکت مجازی، با عنوان حرکت پنداری، متمرکز است. حرکت پنداری به موقعیت‌هایی اطلاق می‌شود که در آنها وضعیت یک موجودیت ایستا، و به لحاظ مکانی ثابت، با فعل حرکتی توصیف می‌شود. هدف این مقاله، بررسی و تحلیل حرکت پنداری بر پایه داده‌های زبان فارسی است. برای این منظور پیکره‌ای متشکل از ۱۷۵۰ جمله را بر اساس معیارهایی که برای اجزای حرکت پنداری، از سوی پژوهشگران شناختی، تعریف شده است، گردآوری و از بین آنها ۴۲ جمله را، که ساخت حرکت پنداری دارند، بررسی و تحلیل کردیم. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که در زبان فارسی رخداد اجزای مختلف ساخت حرکت پنداری، مانند پیکرنا و فعل حرکتی، تابع محدودیت‌های معنایی و سبکی است. به این ترتیب که در فارسی اغلب از پیکرناهایی که طول افقی دارند استفاده می‌شود. فعل‌های حرکتی به‌کاررفته در این ساخت‌ها نیز از نوع فعل‌هایی هستند که مسیر حرکت را واژگانی می‌کنند.

**کلیدواژه‌ها:** شبیه‌سازی ذهنی، حرکت پنداری، فعل حرکتی، پیکرنا، زمینه‌نما.

## ۱- مقدمه

حرکت پنداری<sup>۱</sup> (نیز حرکت انتزاعی<sup>۲</sup> (لانگاکر<sup>۳</sup>، ۱۹۸۷) یا حرکت ذهنی<sup>۴</sup> (ماتسوموتو<sup>۵</sup>، ۱۹۹۶)) به موقعیت‌هایی اطلاق می‌شود که در آنها فعل‌های حرکتی<sup>۶</sup> برای پدیده‌هایی به کار می‌روند، که در حقیقت امکان حرکت ندارند (تالمی<sup>۷</sup>، ۲۰۰۰). برای نمونه به جمله‌های زیر توجه کنید:

۱. دیشب با علی به سینما رفتیم.

۲. این خیابان به میدان ولیعصر می‌رود.

در مثال (۱)، حرکت فیزیکی و واقعی و نوعی تغییر مکان رخ داده است، اما در مثال (۲)، خیابان امکان حرکت و تغییر مکان فیزیکی و واقعی را ندارد. در واقع در مثال (۲)، تغییر مکان، ذهنی است. به این معنا که شنونده هنگام بازسازی صحنه توصیف‌شده در جمله، به طور ذهنی، موجودیت مورد نظر را در مسیر یا شیوه خاصی دنبال می‌کند.

حرکت پنداری از این جهت جالب توجه است که در آن مفهوم شبیه‌سازی ذهنی<sup>۸</sup> به‌وضوح دیده می‌شود (روجو<sup>۹</sup> و والنزوللا<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۶). متلاک<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۴ a؛ ۲۰۰۴ b) ادعا می‌کند که ما در ذهن خود مدل‌هایی را می‌سازیم که شبیه فضاهای فیزیکی‌اند و به این ترتیب حرکت موجودیت‌ها را در این مدل فضایی شبیه‌سازی می‌کنیم تا عبارت حاوی حرکت پنداری را تولید، درک و پردازش کنیم.

این پدیده در اکثر زبان‌های دنیا اتفاق می‌افتد و زبان‌ها با استفاده از امکانات و ویژگی‌های خاص خود و نیز نوع برخوردشان با پدیده حرکت واقعی آن را مورد استفاده قرار می‌دهند. بررسی‌های فراوانی در زبان‌های مختلف برای توصیف این پدیده انجام گرفته است، اما در زبان فارسی تاکنون هیچ‌گونه بررسی منسجمی در این حوزه انجام نشده است. بنابراین در این مقاله تلاش می‌کنیم با رویکرد معناشناسی شناختی، نوع کاربرد حرکت پنداری را در زبان فارسی بررسی کنیم.

مهم‌ترین و به‌روزترین رویکرد شناختی در بررسی حرکت پنداری اثر تالمی (۲۰۰۰) است و پژوهشگران دیگر با پیروی از آن، ساخت حرکت پنداری را در زبان‌های گوناگون بررسی و نتایج

1. fictive motion  
2. abstract motion  
3. R. W. Langacker  
4. subjective motion  
5. Y. Matsumoto  
6. motion verb

7. L. Talmy  
8. mental simulation  
9. A. Rojo  
10. J. Valenzuela  
11. T. Matlock

خود را منتشر کرده‌اند. از سوی دیگر متلاک (۲۰۰۴a) نیز، با پذیرش رویکرد تالمی (۲۰۰۰)، تلاش کرده است تا ویژگی‌های ساخت حرکت پنداری را در زبان‌ها توصیف کند. در زیر ابتدا به شرح رویکرد تالمی (۲۰۰۰) می‌پردازیم و سپس با به‌کارگیری معیارهای متلاک (۲۰۰۴a) داده‌هایی از زبان فارسی را بررسی می‌کنیم.

## ۲- چارچوب نظری

حرکت پنداری، که اولین بار از سوی تالمی (۲۰۰۰) معرفی شد، پدیده‌ای زبان‌شناختی است که موقعیت‌هایی را شامل می‌شود که اعتقاد بر ایستا<sup>۱</sup> بودن آنهاست، ولی از ویژگی‌های زبانی توصیف‌کننده موقعیت‌های پویا<sup>۲</sup> برای آنها استفاده می‌شود. حرکت پنداری شامل زیرگونه‌های مختلف است (تالمی، ۲۰۰۰: ۹۹-۱۳۹) اما مهم‌ترین نوع آن موقعیتی است که به‌واسطه یک فعل حرکتی، که معمولاً با عبارتی حاوی روابط مکانی همراه است، توصیف می‌شود. در مثال زیر:

۳. این جاده از رامسر شروع می‌شود و تا لاهیجان می‌رود.

فعل حرکتی رفتن با عبارت مکانی تا لاهیجان همراه است. در چنین جمله‌هایی موجودیت‌های ایستا را که فعل حرکتی برای توصیف آنها به‌کار می‌رود، پیکرنا<sup>۳</sup> می‌نامیم. در بین زبان‌ها بسیار معمول است که موقعیت‌های ایستا را به‌طور پویا نشان می‌دهند و ادعا می‌شود که حرکت پنداری در نتیجه شبیه‌سازی ذهنی حرکت واقعی شکل می‌گیرد، به‌طوری که برخی ویژگی‌های حرکت واقعی در حرکت پنداری نیز رخ می‌دهد (لانگاکر، ۲۰۰۸: ۸۳-۸۲). در اینجا این سؤال پیش می‌آید که اگر موقعیت‌های ایستا و پویا مانند هم بیان شوند، آیا تفاوت واژگانی بین این دو بیان زبانی وجود خواهد داشت یا خیر. با بررسی‌های انجام‌شده در زبان‌های گوناگون این نتیجه حاصل می‌شود که بین این دو بیان زبانی، تفاوت‌هایی وجود دارد که مهم‌ترین آنها در نحوه رمزگذاری مکان بیان شده است. به این معنا که جملات حاوی حرکت پنداری در معرض برخی محدودیت‌هایی هستند که در حرکت واقعی اتفاق نمی‌افتد.

---

1. stationary  
2. dynamic  
3. trajector

به عقیده تالمی (۲۰۰۰) با وجود عدم جابه‌جایی آشکار موجودیت‌ها در حرکت پنداری، نوعی حرکت پنهانی در این گونه جمله‌ها اتفاق می‌افتد، بنابراین شخصی که مفهوم‌سازی<sup>۱</sup> می‌کند (گوینده یا شنونده)، از صحنه مورد نظر دیدگاهی دریافت می‌کند و به‌طور ذهنی، حرکتی را برای پیکرنا شبیه‌سازی می‌کند. در فرایند این مفهوم‌سازی، پیکرنا اغلب موجودیتی خطی است که در ارتباط با مکانی خاص تصور می‌شود (متلاک، ۲۰۰۴a: ۶). از نظر تالمی (۲۰۰۰) حرکت پنداری به شخصی که مفهوم‌سازی می‌کند، اجازه می‌دهد که به‌طور ذهنی تغییر حالتی را بر روی چیزی که به صورت ایستا تصور می‌شود، اعمال کند. در این گونه حرکت، اطلاعاتی درباره لایه صحنه، خصوصاً درباره مکان پیکرنا نسبت به یک مکان دیگر (زمینه‌نما<sup>۲</sup>) محاسبه می‌شود.

یکی دیگر از زبان‌شناسانی که، با پیروی از نظریه تالمی، پژوهش‌های مهمی درباره حرکت پنداری انجام داده، متلاک (۲۰۰۴a: b) است. او در آثارش بحث می‌کند که انسان مدل‌هایی را در ذهن می‌سازد که شبیه فضای فیزیکی است و به این طریق حرکت اشیا را در این مدل مکانی شبیه‌سازی می‌کند تا عبارات حاوی حرکت پنداری را درک و پردازش کند.

از نظر متلاک (۲۰۰۴a: ۵) ساخت حرکت پنداری شامل اجزای زیر است:

- گروه اسمی در جایگاه فاعل.

- فعل حرکتی.

- مفعول حرف اضافه‌ای یا مفعول مستقیم.

فاعل، نمایان‌کننده نوعی موجودیت خطی (عمودی یا افقی) است، که ما در اینجا به آن پیکرنا می‌گوییم. فعل حرکتی، فعلی است که در معنای حقیقی نشان‌دهنده جابه‌جایی است. این جابه‌جایی ممکن است به‌شکل تغییر مکان از نقطه الف به نقطه ب (حرکت انتقالی) یا صرفاً جابه‌جایی درجا، در مکان اصلی، یعنی بدون تغییر مکان باشد (حرکت وضعی). نوع اول حرکت، در فعلی مانند آمدن و نوع دوم در فعلی مانند لرزیدن قابل مشاهده است. همچنین فعل‌های حرکتی به دو نوع مسیرنما<sup>۳</sup> و شیوه‌نما<sup>۴</sup> نیز قابل تقسیم‌بندی‌اند. فعل‌های مسیرنما مسیر حرکت و فعل‌های شیوه‌نما شیوه حرکت موجودیتی را واژگانی می‌کنند. برای نمونه فعل رفتن

- 
1. conceptualize
  2. landmark
  3. path-verb
  4. manner-verb

مسیرنماست چون نشان‌دهنده حرکت موجودیتی از سمت گوینده به مکانی دورتر است و فعل دویدن شیوه‌نماست چون نشان می‌دهد که موجودیت در حال حرکت به روش خاصی تغییر مکان می‌دهد. مفعول حرف اضافه‌ای یا مفعول مستقیم نیز زمینه‌ما را نشان می‌دهد، مانند ساحل در مثال زیر:

۴. این جاده از کنار ساحل می‌رود.

که مکان پیکرنا (نزدیک یا موازی با ساحل) را مشخص می‌کند.

پیکرنا نقش مهمی در ساخت حرکت پنداری دارد، زیرا شکل ظاهری آن است که معنا و ساختار حرکت پنداری را ایجاد می‌کند. به طور کلی، در تولید و درک ساخت حرکت پنداری، اطلاعاتی درباره مکان پیکرنا بیان یا استنباط می‌شود (متلاک، ۲۰۰۴a: ۶).

همه جملاتی که ساخت حرکت پنداری دارند، در صورتی معنا خواهند داشت که پیکرنا همراه با زمینه‌ما نمایان شود. به این ترتیب جمله‌های زیر ناپذیرفتنی‌اند:

۵. ؟ این جاده می‌رود.

در مثال (۵) جاده همراه با زمینه‌ما ظاهر نشده است، از این رو ناپذیرفتنی بودن جمله از عدم رخداد زمینه‌ما در جمله است، مگر اینکه اطلاعاتی در بافت موقعیت یا بافت زبانی وجود داشته باشد (برای نمونه هنگامی که گوینده اشاره‌ای تصویرگونه<sup>۱</sup> به زمینه‌ما داشته باشد یا مثلاً گوینده و شنونده در حال نگاه کردن به تصویری باشند). در غیر این صورت، هیچ‌گونه اطلاعاتی درباره پیکربندی<sup>۲</sup>، موقعیت یا شکل پیکرنا قابل استنباط نخواهد بود (همان: ۷).

یکی دیگر از ویژگی‌های پیکرنا در ساخت پنداری این است که معمولاً شکل خطی مستقیم دارد، مانند جاده، خیابان، دیوار و غیره (همان). در نمونه زیر:

۶. میز ناهارخوری از آشپزخانه تا سالن آمده.

به‌طور خودکار میزی را تصور می‌کنیم که بلند و باریک است، نه میزی گرد و کوچک. در غیر این صورت مثال فوق ناپذیرفتنی خواهد بود.

---

1. iconic

2. configuration

ویژگی دیگری که متلاک (همان: ۸) برای پیکرنا قائل است، ایستابودن آن است. همان‌طور که در بالا نیز اشاره شد، حرکت پنداری در موقعیت‌هایی که پیکر غیرجاندار است و قادر به حرکت نیست معنا می‌یابد.

لازم به ذکر است که مصادیق حرکت پنداری متفاوت از حرکت استعاری<sup>۱</sup> است. در حرکت استعاری با نوعی تغییر حالت در مفهومی انتزاعی روبرو هستیم. برای نمونه جمله زیر حاوی نوعی حرکت استعاری است:

۷. جلسه رفت تا بعد از ظهر.

در این نمونه که به معنای طول کشیدن جلسه است، نوعی حرکت در طول زمان اتفاق افتاده است. در مثال زیر نیز که حاوی حرکت استعاری است:

۸. عقل از سرش رفته.

عناصری که در هر حرکت واقعی وجود دارند، یافت می‌شوند (مانند پیکر<sup>۲</sup>، مسیر<sup>۳</sup>، مبداء)، اما حرکتی که در این عبارت به تصویر کشیده می‌شود، اتفاق نمی‌افتد، زیرا تجربه ما در جهان واقعی به ما نشان می‌دهد که عقل نمی‌تواند از جایی به جایی برود. در این صورت، در این جا فعل رفتن نوعی تغییر حالت را نمایان می‌کند. به این ترتیب تفاوتی که بین حرکت استعاری و حرکت پنداری وجود دارد این است که اولاً موجودیتی که فعل حرکتی برای آن به کار برده می‌شود، در حرکت استعاری، انتزاعی و در حرکت پنداری، واقعی است. ثانیاً فعل در حرکت استعاری لزوماً با عبارت مکانی همراه نیست، اما حرکت پنداری بدون عبارت مکانی امکان رخداد ندارد. تفاوت دیگر این است که فعل حرکتی در حرکت استعاری نشان‌دهنده نوعی تغییر است، اما در حرکت پنداری نشان‌دهنده مسیر است.

### ۳- روش گردآوری داده‌ها

برای گردآوری پیکره‌ای از جملات دارای ساخت حرکت پنداری این‌گونه عمل شد که ابتدا برخی واژه‌هایی که لزوماً پیکربندی بلند و خطی دارند، مانند جاده، خیابان، حصار، دیوار و غیره، انتخاب و جمع‌آوری شدند. سپس این واژه‌ها در پیکره فرهنگستان زبان و ادب فارسی (گروه فرهنگ‌نگاری)، که حاوی جملاتی از آثار زبان فارسی است، جستجو شدند و نمونه‌های

---

1. metaphoric motion  
2. figure  
3. path

منتشر شده از سال ۱۳۷۰، که در آنها واژه‌های فوق کاربرد داشته‌اند، بررسی شدند. از بین این نمونه‌ها، که حدوداً ۱۷۵۰ جمله بودند، ۴۲ جمله، که ساخت حرکت پنداری داشتند، بررسی و انتخاب شدند. به این معنا که اگر واژه‌های فوق به‌عنوان فاعل در جمله‌ای قرار داشتند که فعل آن حرکتی بود، آن جمله به‌عنوان جمله دارای ساخت حرکت پنداری انتخاب و رفتار پیکرنا در آن بر اساس نظرات متلاک (۲۰۰۴a) مشاهده و بررسی شد. همچنین تجزیه و تحلیل فعل‌های حرکتی در این ساخت‌ها بر اساس نتایج پژوهشی درباره فعل‌های حرکتی فارسی (مسگرخویی، ۱۳۹۲) بررسی شد. در این رساله پیکره‌ای از فعل‌های حرکتی فارسی انتخاب، طبقه‌بندی و تحلیل شده‌اند. با در نظر گرفتن این تحلیل‌ها، رفتار فعل‌های حرکتی را در ساخت حرکت پنداری بررسی می‌کنیم.

#### ۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

بررسی ساخت حرکت پنداری در فارسی، بر روی ۴۲ جمله یافت شده در این زبان انجام شده است. پیکرناهایی که در این پژوهش جستجو و امکان رخداد آنها در ساخت حرکت پنداری بررسی شد، عبارتند از آبشار، برج، بزرگراه، پیچ، پیچک، ترافیک، تونل، جاده، حصار، خط‌آهن، خیابان، دیوار، دیواره، راه، رود، رودخانه، ساختمان، سیم، صخره، کوچه، کوره‌راه، مسیر، معبر و نرده. در انتخاب این پیکرناها سعی شده است هم موجودیت‌هایی که طول افقی دارند (مانند جاده) انتخاب شوند و هم موجودیت‌هایی که طول عمودی دارند (مانند برج). این واژه‌های پیکرنا در جملاتی که ساخت پنداری دارند، با فعل‌های افتادن، بردن، برگشتن، بیرون‌زدن، پیچاندن، پیچ‌خوردن، پیچ‌وتاب‌خوردن، پیچیدن، پیش‌رفتن، چرخیدن، خزیدن، دوزدن، رسیدن، رد شدن، رفتن، فرورفتن، کشاندن، گذشتن (به‌معنای عبور کردن) و لغزیدن آمده‌اند. با گردآوری این داده‌ها تحلیلی به شرح زیر درباره پیکرنا و فعل حرکتی مورد استفاده در حرکت پنداری ارائه شده است.

همان‌گونه که گفته شد، پیکرناها که پیکربندی بلند و طولانی دارند و عموماً خط سیری را نشان می‌دهند، در این پژوهش دو گونه بوده‌اند: پیکرناهایی که بلندی عمودی دارند و پیکرناهایی که بلندی افقی دارند. نوع اول پیکرناهایی که جستجو شدند، عبارتند از آبشار، برج، ساختمان و صخره. نوع دوم نیز مجموعه‌ایست شامل بزرگراه، پیچ، پیچک، ترافیک، تونل،

حصار، خط‌آهن، خیابان، دیوار، دیواره، راه، رود، رودخانه، سیم، کوچه، کوره‌راه، مسیر، معبر و نرده.

#### ۴-۱- پیکرنا در زبان فارسی

در این میان برای پیکرناهای آبشار، برج و ساختمان هیچ جمله‌ای، که حاوی ساخت حرکت پنداری باشد، یافت نشد. بررسی دیگر پیکرناها نشان می‌دهد که در زبان فارسی ساخت حرکت پنداری اغلب برای پیکرناهایی کاربرد دارد که بلندی افقی دارند. تنها نمونه از پیکرناهایی که در داده‌های ما بلندی عمودی دارند، صخره است، که تنها در یک جمله کاربرد دارد:

۹. صخره... نزدیکی‌های جاده به هوا بلند شد و یک‌راست رفت توی درّه (مندنی‌پور، ۱۳۷۵: ج ۲، ۷۴۲).

در این مثال صخره، که پیکرناهایی با بلندی عمودی است، با فعل رفتن به کار رفته است. به این ترتیب از بین ۴۲ جمله تنها یک مورد حاوی پیکرناهای با بلندی عمودی است. نمونه‌های زیر رخداد پیکرناهای با بلندی افقی را نشان می‌دهند:

۱۰. دیوارهای دو رشته‌کوه دور از هم و موازی باهم پیش می‌رفتند. (مهاجر، ۱۳۴۰: ۴۹).

۱۱. پیچیدیم توی یک جاده خاکی که می‌رفت به طرف دامنه کوه. (اخوت، ۱۳۷۹: ۱۰۳).

همان‌گونه که در مثال‌های بالا پیداست، پیکرناهایی با بلندی افقی به کار رفته است. بنابراین از بین ۴۲ جمله تنها یک جمله پیکرناهای عمودی دارد و بقیه جمله‌ها همگی پیکرناهای افقی دارند.

در جمله‌های حرکت پنداری، پیکرناهایی که بیشترین کاربرد را دارد، جاده است، که ۲۱ جمله را در پیکره ما به خود اختصاص داده است. شاید بتوان گفت جاده یک پیکرناهای تمام‌عیار در زبان فارسی، و به عبارت دیگر، نمونه‌اعلای آن است. بعد از آن، خیابان با وقوع ۲ بار بیشترین تعداد پیکرنا را به خود اختصاص داده است. پیکرنا در جمله‌های زیر، جاده و خیابان است:

۱۲. باریکه‌ای از لب رودخانه هنوز سنگلاخ است و جاده آسفالتی از میان آن می‌گذرد. (کریمی، ۱۳۸۲: ۳۱۴).



۱۳. رفتیم توی تونل و روی خیابانی سر درآوردیم که ترمینالِ بزرگِ مرکزی را دور می‌زند.  
(دکتروف<sup>۱</sup>، ۱۳۷۷، ۸۴)

#### ۴-۲- فعل حرکتی در زبان فارسی

مسگرخویی (۱۳۹۲) در پیکره‌ای که از فعل‌های حرکتی فارسی به دست داده است، با پیروی از تالمی (۲۰۰۰)، آنها را به دو نوع مسیرنما و شیوه‌نما طبقه‌بندی کرده است. فعل‌های حرکتی مسیرنما فعل‌هایی هستند که علاوه بر مفهوم حرکت، مفهوم نوع مسیر را واژگانی می‌کنند. فعل‌های حرکتی شیوه‌نما نیز، علاوه بر مفهوم حرکت، مفهوم شیوه حرکت را در خود واژگانی می‌کنند. مسگرخویی (۱۳۹۲)، انواع اطلاعات مسیر و شیوه را، که در فعل‌های حرکتی فارسی واژگانی می‌شوند، ارائه داده و به این نتیجه رسیده است که، در فارسی، فعل‌های حرکتی مسیرنما با اختلاف جزئی از فعل‌های حرکتی شیوه‌نما به کار می‌روند. با قدری اغماض می‌توان گفت که فارسی در رده زبان‌هایی قرار دارد که مسیر و شیوه را به یک اندازه در فعل واژگانی می‌کنند. این نتایج برای کاربردهای حقیقی فعل حرکتی به دست آمده‌اند، یعنی برای جمله‌هایی که در آنها موجودیتی (پیکر<sup>۲</sup>)، به‌واقع، متحمل حرکت و جابه‌جایی در مسیری خاص یا در جای اصلی خود می‌شود. برای نمونه در جملات زیر:

۱۴. ماشین پیچ کوچکی خورد و برگشت. (آل احمد، ۱۳۴۳: ۷۷).

در مثال ۱۴ ماشین پیکری است که متحمل دو نوع حرکت می‌شود. حرکت اول با فعل پیچ‌خوردن بازنمایی می‌شود، که فعلی شیوه‌نما است و اطلاعاتی راجع به نوع حرکت می‌دهد. حرکت دوم نیز با فعل برگشتن بازنمایی می‌شود، که فعلی مسیرنما است و اطلاعاتی چون بازگشت به نزد مخاطب را تداعی می‌کند.

معیار انتخاب فعل‌ها، به‌عنوان فعل حرکتی، تعریف ارائه‌شده برای آنها در فرهنگ لغت است. همین تعریف در تشخیص مسیرنما و شیوه‌نمابودن فعل نیز کمک می‌کند. اما مسلم است که برای تشخیص دقیق‌تر نوع فعل‌ها باید بر اساس شم زبانی فارسی‌زبانان تصمیم‌گیری شود. این کار نیازمند پژوهش‌های بیشتر و انجام آزمایش‌های عینی است.

---

1. E. L. Doctorow

2. figure

برای بررسی ساخت حرکت پنداری، هر دو نوع فعل مسیرنما و شیوه‌نما را مد نظر قرار دادیم. اما آنچه در پیکره ما از جمله‌هایی با ساخت حرکت پنداری به چشم می‌خورد، این است که فعل‌های حرکتی شیوه‌نما با محدودیت به مراتب بیشتری نسبت به فعل‌های حرکتی مسیرنما به کار می‌روند. در پیکره ما ۳ فعل شیوه‌نما و ۳۵ فعل مسیرنما وجود دارد. فعل‌های شیوه‌نمای این پیکره عبارتند از خزیدن، کشاندن و لغزیدن. آنچه که در مورد فعل‌های شیوه‌نما قابل توجه می‌نماید، این است که فعل‌های شیوه‌نما بیشتر در سبک ادبی به کار می‌روند تا در گفتار روزمره و سبک عامیانه. این مسئله در مثال‌های زیر تا حد زیادی قابل مشاهده است:

۱۵. کوه تا میانه جاده لغزیده بود. (مندنی‌پور، ۱۳۷۵: ج ۲، ۷۳۴).

۱۶. جاده... مارپیچ‌زنان در طول تپه‌های کم‌شیب می‌خزید. (شولوخوف<sup>۱</sup>، ۱۳۷۷: ج ۴، ۱۸۱۲).

۱۷. ... ساختمانی با آجرهای سرخ‌رنگ و پیچک‌هایی که تا طبقات بالایی خود را بالا کشانده‌اند. (امیرخانی، ۱۳۸۷: ۱۶۵).

در بین فعل‌های مسیرنما، فعل رفتن با وقوع ۱۲ بار بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است و پس از آن، گذشتن با ۹ بار وقوع، قرار دارد. نمونه‌ای از کاربرد این فعل‌ها در مثال‌های ۱۶ و ۱۷ آمده است:

۱۶. پادگان نیروی هوایی مهرآباد تقریباً در دو کیلومتری شمال جاده‌ای بود که به کرج و قزوین و رشت می‌رفت. (جعفری، ۱۳۸۲: ج ۱، ۱۶۷).

۱۷. شهرام... نمی‌داند نام آن خیابانی که از کنار ساختمان می‌گذرد و تا آن دوردست‌ها ادامه دارد و توی درخت‌ها گم می‌شود چیست. (گلاب‌دراهی، ۱۳۵۱: ۱۶۴).

از سوی دیگر فعل‌های مسیرنما نه تنها در سبک ادبی بلکه در گفتار روزمره و در سبک عامیانه نیز کاربرد دارند. برای مثال، فعل‌های مسیرنما در نمونه‌های زیر با سبک ادبی به کار رفته‌اند:

۱۸. رودخانه اینجا که آرام و غلطان می‌رفت، هیچ نوع احساس تند و جوانی را در من بیدار نمی‌کرد. (پارسی‌پور، ۱۳۸۲: ۷).

۱۹. شیراز... کم‌وبیش همان‌گونه می‌نمود که در زمان سعدی و حافظ بوده‌اند. تنگ و خاکی با خانه‌های دیواربلند، کوچه‌ای پیچ می‌خورد و به دیگری می‌پیوندد. (اسلامی ندوشن، ۱۳۶۳: ۱۳۶).

در مثال‌های زیر نیز کاربرد عامیانه فعل‌های مسيرنما قابل مشاهده است:

۲۰. دیوار از وسط باغ می‌گذرد. (اینترنت)

۲۱. این راه میرسه به رامسر. (اینترنت)

## ۵- نتیجه‌گیری

بررسی پدیده حرکت پنداری در فارسی، ابعاد مختلفی را درباره اجزا و نحوه عملکرد آن مشخص می‌کند. بررسی پیکرناها در ساخت حرکت پنداری نشان می‌دهد که در زبان فارسی این ساخت اغلب برای پیکرناهایی با بلندی افقی، کاربرد دارد. به این ترتیب که از بین ۴۲ جمله تنها یک جمله پیکرناهایی با بلندی عمودی دارد و بقیه جمله‌ها همگی پیکرناهایی با بلندی افقی دارند. پیکرناهایی که بیشترین کاربرد را در این گونه ساخت‌ها دارد، جاده است که ۲۱ جمله را در پیکره ما به خود اختصاص داده است. از این رو می‌توان گفت که جاده، نمونه‌اعلای یک پیکرنا در فارسی است.

مطالعات در دیگر زبان‌ها نشان می‌دهد که پیکرناهایی با بلندی عمودی نیز در آنها کاربرد دارند. اما برای نتیجه‌گیری کلی درباره اینکه، به لحاظ شناختی، در همه زبان‌ها تمایل به کاربرد پیکرناهای افقی است، به پژوهش‌های مقابله‌ای بیشتری نیاز است. در این صورت مشخص خواهد شد که این تمایلی جهانی است یا زبان‌ها در استفاده از این دو نوع پیکرنا در رده‌های گوناگون قرار می‌گیرند.

در بررسی فعل‌های حرکتی، که در ساخت حرکت پنداری استفاده می‌شوند، فعل‌های حرکتی شیوه‌نما با محدودیت به مراتب بیشتری نسبت به فعل‌های حرکتی مسيرنما به کار می‌روند. به این معنا که فعل‌های شیوه‌نما بیشتر در سبک ادبی به کار می‌روند تا در گفتار روزمره و سبک عامیانه. اما فعل‌های مسيرنما نه تنها در سبک ادبی بلکه در گفتار روزمره و در سبک عامیانه نیز کاربرد دارند. در این بین رفتن، بیشترین تعداد فعل‌های حرکتی را در این گونه ساخت‌ها به خود اختصاص داده است و پس از آن فعل گذشتن قرار دارد. با این حال

به نظر می‌رسد اگر جستجوهای بیشتری در پیکره‌های الکترونیکی بزرگ‌تر انجام شود، نتایجی دیگر به دست بیاید.

در اینجا نیز این نتیجه‌گیری ممکن است منجر به این ادعا شود که در واقع پردازش معنایی اطلاعات شیوه حرکت، به لحاظ شناختی، به مدت‌زمان بیشتری نیاز دارد و به همین دلیل در این‌گونه جمله‌ها کمتر به کار می‌رود. با این حال به تحقیقات بیشتری در زبان‌های دنیا نیاز است تا بتوان نتیجه گرفت که آیا این تمایل یک تمایل جهانی است یا زبان‌ها در برخورد با این مسئله در رده‌های گوناگونی قرار می‌گیرند. در هر صورت از طریق چنین پژوهش‌هایی می‌توان تعامل بین پارامترهای مختلف شبیه‌سازی ذهنی و محدودیت‌های زبانی را مشخص کرد و نحوه رفتار زبان‌وران در برخورد با چنین پدیده‌هایی را شناخت.

#### منابع

- آل احمد، جلال (۱۳۴۳). خسی در میقات. تهران: امیرکبیر.
- اخوت، محمدرحیم (۱۳۷۹). نیمه سرگردان ما. اصفهان: انتشارات نقش خورشید.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۶۳). روزها «سرگذشت». ج ۳. تهران: انتشارات یزدان.
- امیرخانی، رضا (۱۳۸۷). بیوتن. تهران: نشر علم.
- پارسی‌پور، شهرنوش (۱۳۸۲). گرما در سال صفر. تهران: نشر شیرین.
- جعفری، عبدالرحیم (۱۳۸۲). در جستجوی صبح، ج ۱. تهران: روزبهان.
- دکتروف. ای. ال. (۱۳۷۷). بیلی بانگیت. ترجمه نجف دریابندری. تهران: طرح نو.
- شولوخوف، میخائیل (۱۳۷۷). دن آرام، ج ۴. ترجمه احمد شاملو. تهران: انتشارات مازیار.
- کریمی، مهناز. (۱۳۸۲). سنج و صنوبر. تهران: ققنوس.
- گلاب‌دره‌ای، محمود (۱۳۵۱). سگ کوره‌پز. تهران: چاپ آفتاب.
- مسگرخویی، مریم (۱۳۹۲). «بازنمود رویداد حرکت در زبان فارسی: رویکردی شناختی». پایان‌نامه دکتري زبان‌شناسی همگانی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مندنی‌پور، شهریار (۱۳۷۵). دل‌دادگی. ج ۲. تهران: انتشارات زریاب.
- مهاجر، علی‌اصغر (۱۳۴۰). زیر آسمان کویر. تهران: سازمان کتاب‌های جیبی.

- Langacker, R. W. (2008). *Cognitive Grammar: A Basic Introduction*. New York: Oxford University Press.
- Matlock, T. (2004a). "Fictive Motion as Cognitive Simulation". *Memory & Cognition*, 32: 1389-1400.
- Matlock, T. (2004b). "The Conceptual Motivation of Fictive Motion". In G. Radden & K. U. Panther (Eds.), *Studies in linguistic motivation*, 221-248. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Matsumoto, Y. (1996). "Subjective Motion and English and Japanese Verbs". *Cognitive Linguistics*, 7 (2): 183-226.
- Rojo, A. & J. Valenzuela (2006). "Moving Entities Ficticiously: Some Experimental Data". Paper Presented at *V AELCO/SCOLA Conference*. Murcia, 2006.
- Talmy, L. (2000). *Towards a Cognitive Semantics*, Vol.1. Cambridge: MIT Press.

منابع اینترنتی

[www.niniweblog.com](http://www.niniweblog.com)

